



The Efficiency of the Settlement Dispute Resolution Method in Oil Contracts

Faranak Romiani¹ , Mohsen kazemi² 

1. MA. in, Faculty of Law and Political Science, Azad University, Khorramabad Branch, Iran.
Email: Farank.romiany22@gmail.com

2. Corresponding Author; Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Khorramabad Branch, Iran. Email: m.kazemi@khoiau.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Manuscript received:
21 July 2024
final revision received:
3 February 2025
accepted:
26 August 2025
published online:
10 September 2025

Keywords:
Conciliation, Alternative
Dispute Resolution
(ADR), Petroleum
Contracts, UNCITRAL,
FIDIC, Article 139
Constitution of Iran.

Abstract

The procedure of ancient dispute resolution, particularly compromise, is considered an efficient method which, compared to other dispute resolution mechanisms, is simple, inexpensive, swift, flexible, amicable, and confidential. On the other hand, one of the major areas of commercial contracts worldwide, and especially in our country, is petroleum contracts. Changes in price, execution costs, scheduling, and other factors may ultimately lead to disputes between the parties. Since these contracts are often concluded in the framework of megaprojects, a dispute in one project can cause delays or stoppages in others, creating serious challenges for the parties. Therefore, how to address and resolve such conflicts in these contracts is of great importance. The effectiveness of the compromise method and its comparison with other techniques in resolving petroleum-related disputes form the central question and purpose of this research. The findings indicate the capability and effectiveness of compromise in resolving disputes arising from petroleum contracts.

Cite this article: Romiani, Faranak; kazemi, Mohsen (2025) "The Efficiency of the Settlement Dispute Resolution Method in Oil Contracts" *Energy Law Studies*, 11 (1): 145-166.
DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2025.376229.555>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

Introduction

Dispute resolution plays a crucial role in the continuity and economic efficiency of petroleum projects, which are typically complex, multinational, and long-term in nature. In the context of the global energy industry, petroleum contracts often face challenges such as price volatility, execution costs, and scheduling delays. These factors frequently give rise to contractual disputes that, if not resolved efficiently, may halt multi-billion-dollar projects.

Conciliation, as one of the oldest and most flexible mechanisms of alternative dispute resolution (ADR), offers an amicable, low-cost, and confidential framework for resolving conflicts. Compared with judicial litigation or arbitration, conciliation allows the parties to preserve commercial relationships while achieving quick and pragmatic solutions. This research investigates the effectiveness of conciliation as a dispute resolution mechanism in petroleum contracts, comparing it with other ADR techniques such as mediation, arbitration, and FIDIC dispute adjudication boards.

Method

This study adopts a comparative-analytical legal research method, integrating doctrinal analysis with empirical case-based evaluation. The analysis focuses on Iranian petroleum law and compares it with international frameworks, particularly the UNCITRAL Conciliation Rules and FIDIC contract principles. The research involves qualitative interpretation of legal norms, judicial precedents, and scholarly commentary to assess the practical applicability of conciliation in Iran's petroleum sector.

Conclusions

Conciliation represents an efficient and sustainable mechanism for dispute resolution in petroleum contracts, especially when contrasted with costly and time-consuming litigation or arbitration. Its strengths lie in flexibility, confidentiality, speed, and relationship preservation. However, for its optimal application in Iran, certain legal and institutional reforms are recommended:

1. Codification of procedural rules aligned with UNCITRAL standards to ensure legal certainty and enforceability.

2. Clarification of “important cases” under Article 139 of the Constitution to avoid bureaucratic delays in petroleum-related settlements.
3. Pre-authorization mechanisms within petroleum contracts, enabling ministerial approval in advance for conciliation clauses.
4. Training and accreditation of specialized conciliators familiar with oil and gas projects.
5. Integration of conciliation within multi-tier dispute resolution clauses, preceding arbitration or litigation.

Implementing these reforms will strengthen Iran’s legal framework, enhance investor confidence, and align the country’s petroleum dispute resolution system with international best practices. Ultimately, conciliation not only resolves conflicts but also safeguards long-term cooperation, ensuring the continuity of vital energy projects and the economic interests of all parties involved.





کارآمدی شیوه حل اختلاف سازش در قراردادهای نفتی

فرانک رومیانی^۱ , محسن کاظمی^۲ 

۱. کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، ایران. رایانامه:

Farank.romiany22@gmail.com

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، ایران.

رایانامه: m.kazemi@khoiau.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	شیوه حل اختلاف کهن و کارآمد «سازش»، در مقایسه با سایر روش‌های حل اختلاف، روشی ساده، کم‌هزینه، سریع، انعطاف‌پذیر، دوستانه و محرمانه به‌شمار می‌رود. ازسوی دیگر، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های قراردادهای تجاری در جهان، به‌ویژه در ایران، قراردادهای نفتی است. تغییر در قیمت، هزینه‌های اجرایی، زمان‌بندی و سایر عوامل مشابه، می‌تواند موجب بروز اختلاف میان طرفین این قراردادها شود. از آنجا که قراردادهای نفتی عموماً در قالب مگاپروژه منعقد می‌شوند، بروز اختلاف در یکی از این پروژه‌ها ممکن است به توقف سایر پروژه‌ها نیز بینجامد؛ امری که برای طرفین قرارداد بسیار چالش‌برانگیز است. از این‌رو، نحوه مواجهه با اختلافات و چگونگی حل و فصل آن‌ها در چنین قراردادهایی از اهمیت فراوانی برخوردار است. این پژوهش با هدف بررسی کارآمدی شیوه سازش و مقایسه آن با سایر روش‌های حل اختلاف در قراردادهای نفتی انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سازش به‌عنوان روشی مؤثر و انعطاف‌پذیر، از قابلیت و کارآمدی بالایی در حل اختلافات ناشی از قراردادهای نفتی برخوردار است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۳۱	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۵	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۶/۲۰	
کلید واژه‌ها: سازش، حل اختلاف، قراردادهای نفتی، آنسیترال، فیدیک، اصل ۱۳۹ قانون اساسی.	

استناد: رومیانی، فرانک؛ کاظمی، محسن (۱۴۰۴). «کارآمدی شیوه حل اختلاف سازش در قراردادهای نفتی»، *مطالعات حقوق انرژی*، ۱۱ (۱)، ۱۶۶-۱۴۵. <http://doi.org/10.22059/JRELS.2025.376229.555>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

تجارت بین‌المللی نفت و گاز سهم قابل توجهی از تجارت جهانی را به خود اختصاص داده است. با توجه به گستره جغرافیایی و پیچیدگی‌های فنی و حقوقی قراردادهای صنعت انرژی، به ویژه در حوزه نفت و گاز، این قراردادها - اعم از قراردادهای بالادستی و پایین دستی - در شمار قراردادهای بلندمدت قرار می‌گیرند که به طور طبیعی مستعد بروز اختلافات متعدد میان طرفین هستند.

روش‌های حل و فصل اختلافات در این حوزه به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱. روش‌های قضایی یا دادرسی که شامل رسیدگی دادگاهی و داوری است. در رسیدگی دادگاهی، تمامی مقررات و اصول آیین دادرسی رعایت می‌شود و در داوری نیز اصول و قواعدی که غالباً آمره و مقرر از سوی قانون‌گذار هستند، مورد تبعیت قرار می‌گیرند.
۲. روش‌های حل اختلاف جایگزین، از جمله سازش که در این روش‌ها، حل اختلاف خارج از دادگاه‌های ملی و به صورت دوستانه، خصوصی، محرمانه، کم‌هزینه و سریع‌تر از دادرسی یا داوری انجام می‌گیرد.

در ایران، به دلیل نبود مقررات یکپارچه و نظام‌مند در زمینه استفاده از شیوه حل اختلاف، کاربست عملی این روش در حل و فصل اختلافات در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. به همین سبب، در دعاوی داخلی کمتر به این شیوه تمسک می‌شود و در دعاوی تجاری بین‌المللی نیز با تردیدهایی روبه‌روست.

براساس ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی، «طرفین اختلاف می‌توانند با توافق یکدیگر، به جای داوری یا دادگاه، روش سازش را برای حل اختلاف انتخاب کنند». با این حال، اجرای عملی این ماده در نظام حقوقی ایران، فاصله قابل توجهی با الگوی بین‌المللی حل اختلاف قراردادی فیدیک دارد. در نتیجه، نهاد سازش در ایران نتوانسته است با رعایت اصول بی‌طرفی، پاسخگوی خواسته‌های پیمانکاران در حل و فصل منصفانه اختلافات باشد.

همین مسئله پرسشی بنیادین را مطرح می‌کند:

اگر تصمیمات هیأت حل اختلاف فیدیک به عنوان نهاد ثالث مرضی‌الطرفین در فرایند حل اختلاف می‌تواند از سوی نظام حقوقی به رسمیت شناخته شود و در مواردی قابلیت اجرا پیدا کند، چرا نباید نتایج حاصل از فرایندهای دوستانه دیگر مانند سازش نیز از همین جایگاه برخوردار و لازم‌الاجرا تلقی شوند؟

از سوی دیگر، صنعت نفت در ایران از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور است. با توجه به حجم بالای سرمایه‌گذاری‌ها، فناوری پیشرفته و حضور بازیگران متعدد با منافع گوناگون، بروز اختلاف در این صنعت امری گریزناپذیر است.

با در نظر گرفتن مزایای قابل توجه روش سازش، می‌توان گفت که این شیوه در قراردادهای نفتی برای طرفین اختلاف از کشش ویژه‌ای برخوردار است. براین اساس، بررسی قابلیت استفاده و کارایی سازش در حل و فصل اختلافات ناشی از قراردادهای نفتی، موضوع اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

در این مقاله، روش سازش از منظر معایب، مزایا و مقایسه آن با دیگر روش‌های جایگزین حل اختلاف -به‌ویژه در زمینه اختلافات مرتبط با قراردادهای نفتی- مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. انواع شیوه‌های حل اختلاف

حل و فصل اختلافات در صنعت انرژی دارای سازوکارهای گوناگونی است که گاه به صورت مستقل و گاه به صورت ترکیبی مورد استفاده قرار می‌گیرند تا کارآمدترین و منصفانه‌ترین نتیجه به دست آید. در این میان، انتخاب شیوه مناسب از میان روش‌های قضایی، داوری و شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات، مستلزم توجه به نوع اختلاف، شرایط حاکم بر روابط قراردادی و توافق طرفین دعواست.

از نظر منطقی، در اختلافاتی که ماهیت فنی و مهندسی دارند، ارجاع موضوع به کارشناسان می‌تواند گزینه‌ای کارآمد و مورد اعتماد طرفین دعوا باشد؛ درحالی که در حل و فصل اختلافات حقوقی، استفاده از شیوه‌های حقوقی یا جایگزین حل اختلاف، مناسب‌تر و مؤثرتر خواهد بود. افزون‌براین، در فرایند رسیدگی به اختلافات، موضوع‌هایی چون تعارض یا هم‌پوشانی صلاحیت مراجع رسیدگی‌کننده، لزوم یا عدم لزوم محرمانگی روند رسیدگی و علنی یا غیرعلنی بودن جلسات، ازجمله مسائلی هستند که می‌توانند بر کارآمدی و مشروعیت فرایند حل اختلاف تأثیرگذار باشند.

در برخی موارد، چنانچه مصالح و منافع عمومی در میان باشد، می‌توان در فرایند حل و فصل اختلافات از مشارکت عمومی بهره گرفت؛ مشروط بر آنکه این مشارکت موجب جانب‌داری ناروا از یکی از طرفین یا انحراف روند رسیدگی از مسیر عدالت و انصاف به دلیل فقدان آگاهی کافی مشارکت‌کنندگان از ابعاد فنی و حقوقی اختلاف نشود.

در اختلافات مرتبط با صنعت انرژی، هدف اصلی از به کارگیری سازوکارهای حل اختلاف، برقراری نظم عمومی، تنظیم روابط میان طرفین براساس اصول عدالت و انصاف و ایجاد امنیت حقوقی پایدار است. تحقق این اهداف، زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا فعالان بخش انرژی با اطمینان و ثبات بیشتری به فعالیت‌های خود ادامه دهند و در نهایت، ملتها از منافع این فعالیت‌ها بهره‌مند گردند (شعبانی جهرمی و شعبانی جهرمی، ۱۳۹۷: ۸).

۲. سازش^۱

سازش روشی است که در آن طرفین اختلاف با میانجی‌گری و مساعدت شخص ثالث، مسائل و اختلافات خود را حل و فصل می‌کنند. مهم‌ترین ویژگی این روش، نقش‌آفرینی شخص یا اشخاص ثالث در وساطت و تسهیل مذاکرات میان طرفین است. براساس بند دوم ماده یک «قانون نمونه سازش تجاری بین‌المللی»، سازش فرایندی است که طی آن طرفین اختلاف از شخص یا اشخاص ثالث درخواست می‌کنند تا به آن‌ها در حل و فصل دوستانه اختلاف ناشی از روابط قراردادی یا حقوقی‌شان یاری رسانند (شیروی، ۱۳۹۷: ۶۲۴-۶۲۳).

نکته مهمی که سازش را از رسیدگی قضایی و داوری جدا می‌کند، این است که سازش‌دهنده نمی‌تواند خود، رأساً موضوع اختلاف را فیصله دهد یا نظر خود را بر طرفین تحمیل نماید. وظیفه او صرفاً تلاش برای دستیابی طرفین اختلاف به یک راه‌حل دوستانه است (شیروی، ۱۳۹۷: ۶۲۶-۶۲۵). در فرایند سازش، اشخاص میانجی افزون‌بر کمک به طرفین برای رسیدن به توافق، خود نیز می‌توانند راه‌حل‌هایی را به آن‌ها پیشنهاد کنند (شیروی، ۱۳۹۷: ۵۶۰).

سازش‌گر نیز همانند میانجی با طرفین در خصوص موضوع مورد اختلاف گفت‌وگو کرده، دیدگاه‌های آنان را به یکدیگر نزدیک می‌کند و در صورت تمایل طرفین، طرح سازش یا سازش‌نامه را تنظیم می‌نماید. اگرچه پژوهشگران میان میانجی‌گری و سازش تمایز روشنی قائل نشده‌اند، اما اجماع دقیقی درباره تعریف این دو شیوه و تفاوت میان آن‌ها وجود ندارد؛ برای مثال، برخی حقوق‌دانان کانادایی بر این باورند که در سازش، طرفین اختلاف در یک اتاق حضور ندارند و سازش‌گر با هریک از آن‌ها به‌طور جداگانه ارتباط برقرار می‌کند؛ درحالی‌که در میانجی‌گری، طرفین چهره‌به‌چهره با هم مذاکره می‌کنند. بااین‌حال، این معیار تمایز چندان دقیق و گویا نیست؛ زیرا ممکن است در میانجی‌گری نیز شخص میانجی به‌صورت جداگانه با هریک از طرفین دیدار و گفت‌وگو کند و برعکس، ممکن است در سازش نیز طرفین بی‌واسطه با یکدیگر مذاکره نمایند. برخی دیگر تفاوت میان سازش و میانجی‌گری را در میزان نقش و مداخله فعال‌تر سازش‌گر می‌دانند؛ به‌گونه‌ای که سازش‌گر پس از انجام مذاکرات، وظیفه دارد طرح سازش یا سازش‌نامه را تنظیم کند.

در بسیاری از نظام‌های حقوقی، مقررات ویژه‌ای درخصوص سازش وجود ندارد و توافق حاصل‌شده میان طرفین براساس اصول کلی قراردادهای، به‌ویژه اصل آزادی قراردادی، معتبر و لازم‌الاجرا تلقی می‌شود (شیروی، ۱۳۹۷: ۷۲). نمونه‌ای از کاربرد سازش در حل و فصل اختلافات را می‌توان در قراردادهای مشارکت در تولید هندوستان (۲۰۰۵) دید. همچنین در قراردادهای

امتیازی برزیل (۲۰۰۸) نیز ماده ۳۱ قرارداد به موضوع حل اختلاف از طریق سازش اختصاص یافته است.

۲.۱.۲. مراحل سازش

برای فرایند داوری می‌توان مراحل را متصور شد که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۲.۱.۱.۲. ایجاد اعتماد

در این مرحله، سازش‌گر می‌کوشد ضمن کاهش بی‌اعتمادی میان طرفین اختلاف، اعتماد آن‌ها را نسبت به خود جلب کند. در این فرایند، شخصیت و خلاقیت سازش‌گر نقشی بسیار مؤثر دارد (شیروی، ۱۳۹۷: ۶۲۵).

۲.۱.۲. تشخیص موارد اختلاف

مرحله بعد، شناسایی مسائل مورد اختلاف و جدا کردن آن‌ها از سایر موضوعات میان طرفین است. در این مرحله، سازش‌گر می‌کوشد از طریق گفت‌وگو با طرفین و بررسی اسناد و مدارک، ماهیت واقعی اختلاف را تشخیص دهد و تعیین کند که آیا موضوع مورد اختلاف از طریق سازش یا میانجی‌گری قابل حل و فصل است یا خیر؟ (شیروی، ۱۳۹۷: ۶۲۵).

۲.۱.۳. ارائه پیشنهاد و مذاکره

ارائه پیشنهادهایی برای حل و فصل اختلاف، باتوجه به این نکته که هریک از طرفین ممکن است موقعیت خود را مهم‌تر دانسته و درک درستی از شرایط طرف مقابل نداشته باشد، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این میان، سازش‌گر می‌کوشد با طرح مسائل و راه‌حل‌هایی که نگرانی‌ها و شرایط هر دو طرف را در نظر می‌گیرد، زمینه پذیرش متقابل را فراهم سازد (شیروی، ۱۳۹۷: ۶۲۵). پس از آن، مذاکرات به طرفین کمک می‌کند تا پیشنهادها را مورد بررسی قرار دهند.

۲.۱.۴. تعیین تکلیف پرونده در مراجع داوری یا قضایی

ممکن است پیش‌تر طرفین، اختلاف خود را در مراجع داوری یا قضایی مطرح کرده باشند، اما بعد از آن توافق کنند که اختلاف را از طریق سازش حل و فصل نمایند. در این صورت و با تحقق استفاده از شیوه سازش، خواهان -یا در برخی موارد هر دو طرف- باید نسبت به استرداد دعاوی خود اقدام کنند.

۵.۱.۲. تهیه سازش‌نامه

مشکل‌ترین مرحله، تهیه سازش‌نامه است؛ زیرا ممکن است طرفین در بازتاب مفاد سازش بر روی کاغذ با دشواری روبه‌رو شوند. در این مرحله، وظیفه سازش‌گر این است که با انتخاب دقیق کلمات و عبارات، طرفین را هدایت کند و مذاکرات را در قالب یک قرارداد جداگانه یا به‌صورت اصلاحیه یا الحاقیه و در موعد مشخص تنظیم نماید. چنانچه نمایندگان طرفین دارای اختیارات لازم برای امضای سازش‌نامه باشند، سند می‌تواند در همان جلسه به امضای طرفین برسد و در غیر این صورت، برای طرفین ارسال می‌شود تا در صورت پذیرش، آن را امضا کنند (شیروی، ۱۳۹۷: ۶۲۵-۶۲۶).

۶.۱.۲. اجرا، بررسی و اصلاح سازش‌نامه

به دلیل اهمیت موضوع سازش‌نامه، توجه به نحوه اجرای آن و پیشگیری از طرح مجدد پرونده و مسائل منجر به اختلاف، اهمیت ویژه‌ای دارد. ایجاد امکان اصلاح در سازش می‌تواند تا حد زیادی اجرای مفاد آن و تداوم روابط تجاری بین طرفین را تضمین کند (شیروی، ۱۴۰۰: ۵۶۰-۵۶۴). از این‌رو، توصیه می‌شود سازش‌گر براساس شرایط خاص، اختیار اصلاح سازش‌نامه را از طرفین دریافت نماید.

۲.۲. آیین سازش

حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی از طریق سازش ممکن است به‌صورت الزامی یا اختیاری انجام گیرد. زمانی که در قرارداد، مقررات و شرایط خاصی برای سازش پیش‌بینی نشده باشد، سازش اختیاری خواهد بود. اما اگر شرایط و جزئیات سازش در قرارداد تنظیم شده باشد، سازش الزامی است و طرفین ملزم به حل اختلاف از طریق سازش هستند و تنها در صورت طی شدن روند سازش و عدم حصول نتیجه، می‌توان به داوری یا دادرسی برای حل اختلاف مراجعه کرد (شیروی، ۱۳۹۸: ۷۰).

طرفین، چه در زمان تنظیم قرارداد و چه هنگام بروز اختلاف، می‌توانند جزئیاتی درباره روش و روند سازش توافق کنند تا براساس آن سازش انجام شود. همچنین، ممکن است به جای تعیین جزئیات، سازش را براساس قواعد سازشی تدوین‌شده توسط یکی از سازمان‌های بین‌المللی انجام دهند.

سازش و میانجی‌گری ممکن است به‌صورت غیررسمی و بدون آیین خاصی انجام گیرد؛ باوجوداین، گرایش تجار به حل و فصل اختلافات تجاری از طریق این شیوه‌ها در اواخر دهه ۱۹۷۰، ضرورت تدوین مقررات متحدالشکل در خصوص شیوه و آیین سازش را آشکار کرد.

از این رو، کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل متحد (آنسیترا) مقررات سازش را تهیه کرد. براساس این مقررات، افرادی که تمایل دارند اختلافات خود را از طریق سازش حل و فصل کنند، به جای آنکه شخصاً مقررات مربوط به سازش را تدوین نمایند، می توانند از مقررات سازش آنسیترا استفاده کنند که شیوه و آیین سازش را به دقت تعیین کرده است. این مقررات به صورت کنوانسیون یا قانون به تصویب نرسیده اند، بنابراین اعتبار و قدرت اجرایی آنها ناشی از توافق طرفین و مبتنی بر اصل آزادی قراردادی و توافق طرفین است (Freedman, & Farrell, 2012: 18).

۳.۲. مزایا و معایب رجوع به سازش در حل اختلافات

استفاده از روش سازش، همانند دیگر روش ها، دارای مزایا و معایبی است. با آگاهی از این نقاط قوت و ضعف، می توان این روش را به صورت هدفمند در قرارداد پیش بینی کرد.

۳.۲.۱. مزایای استفاده از روش سازش

عمده ترین مزایای سازش عبارتند از:

۱. **اختصاصی بودن صلاحیت:** در حالی که صلاحیت محاکم برای رسیدگی عمومی و ناشی از حکم قانون است، صلاحیت شخص ثالث در سازش خاص و مبتنی بر قرارداد است. این ویژگی موجب می شود که آیین رسیدگی و فرد رسیدگی کننده از آزادی عمل بیشتری برخوردار باشند.

۲. **انتخاب شخص ثالث مورد اعتماد و متخصص:** در سازش، طرفین می توانند اشخاص مورد اعتماد خود را به عنوان شخص ثالث بی طرف برگزینند. با توجه به تخصصی بودن مسائل تجارت بین الملل، مانند قراردادهای نوین حمل و نقل، قراردادهای سرمایه گذاری و انتقال فناوری، اختلافات ناشی از این قراردادها نیز خود به خود پیچیده و گسترده است. از آنجاکه دادرسان محاکم معمولاً تخصص کافی برای رسیدگی به این گونه دعاوی ندارند، طرفین ترجیح می دهند اختلاف توسط افراد معتمد و متخصص و از راه سازش حل شود.

۳. **سرعت در رسیدگی:** دادرسی قضایی مستلزم رعایت تشریفات خاص آیین دادرسی است و به دلیل تراکم دعاوی در محاکم، حل و فصل اختلاف معمولاً زمان بر است. در سازش، طرفین و شخص ثالث ملزم به رعایت تشریفات قانون آیین دادرسی نیستند. افزون بر این، در اختلافات بین المللی، آزادی طرفین در انتخاب قواعد حاکم بر آیین رسیدگی و ماهیت دعاوی نیز به تسریع روند رسیدگی کمک می کند؛ زیرا شخص ثالث دیگر الزامی ندارد قواعد تعارض قوانین را در انتخاب قانون حاکم با همان جزئیات قاضی رعایت کند.

۴. سری و محرمانه بودن رسیدگی: محرمانه بودن جریان رسیدگی از دیگر مزایای سازش است. مواد ۱۴ و ۱۹ مقررات سازش آنسیترال بر این موضوع تأکید دارند. طرفین باتوجه به این ویژگی و برای جلوگیری از افشای اسرار تجاری یا اسناد و مدارک، اغلب سازش را برای حل و فصل اختلافات خود ترجیح می‌دهند.

۲.۳.۲. معایب استفاده از روش سازش

معایب عمده سازش عبارت‌اند از:

۱. **غیرالزام‌آور بودن تصمیمات:** تصمیمات حاصل از سازش تنها جنبه مشورتی دارد و الزام‌آور نیست. به‌سخن دیگر، موفقیت سازش و دستیابی به نتیجه مطلوب تا حد زیادی به توانایی‌های شخص ثالث بی‌طرف و حسن‌نیت طرف مقابل بستگی دارد.
۲. **محدودیت‌های ارجاع دعاوی:** پاره‌ای از دعاوی با تشخیص قانون‌گذار داخلی به دلیل ماهیت پیچیده یا مصالح خاص قابل ارجاع به سازش یا دیگر شیوه‌های حل اختلاف جایگزین (ADR)، مانند میانجی‌گری نیستند که این محدودیت از معایب سازش است.
۳. **فقدان قابلیت پیش‌بینی‌پذیری:** نتایج این شیوه عمدتاً به شخصیت و تجربه سازش‌گر وابسته است (Stulz- Karim & Fraser, 2007: 53).

۳. کاربرد سازش در حوزه نفت

پروژه‌های نفت و گاز معمولاً به‌صورت سرمایه‌گذاری مشترک^۱ بین شرکت‌های چندملیتی^۲ انجام می‌شوند. اختلافات مربوط به مدیریت پروژه، تقسیم سود یا تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند از طریق سازش حل و فصل شود. پیمانکاران و کارفرمایان ممکن است بر سر تأخیرها یا هزینه‌های اضافی دچار اختلاف شوند و سازش می‌تواند به راه‌حلی سریع برای بازنگری در برنامه‌ریزی و مدیریت هزینه‌ها بینجامد. همچنین، اختلافات مرتبط با تعهدات زیست‌محیطی یا جبران خسارت به جوامع محلی از موضوعات رایج در صنعت نفت و گاز هستند. در قراردادهای مربوط به امتیازات نفتی یا مالیات‌ها که یک طرف آن دولت یا نهادهای دولتی است، سازش می‌تواند راه‌حلی دیپلماتیک و غیرمقابله‌ای برای رفع تعارض فراهم کند (کارگر مطلق و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۸).

برای مثال، یک شرکت بین‌المللی نفتی^۳ قراردادی با یک کشور میزبان^۱ برای استخراج نفت امضا می‌کند. پس از کاهش شدید قیمت نفت در بازار جهانی، شرکت درخواست بازنگری در

1. Joint Venture

2. Multinational Corporation

3. IOC

سهم سود یا تمدید دوره بازپرداخت سرمایه را مطرح می‌کند. اما دولت با آن مخالفت کرده و اختلاف ایجاد می‌شود. در چنین شرایطی، سازش‌گر می‌تواند به طرفین کمک کند تا به توافق جدیدی دست یابند که منافع هر دو طرف را مدنظر قرار دهد؛ برای مثال، کاهش سهم دولت در کوتاه‌مدت و افزایش آن در بلندمدت.

سازش به‌عنوان یکی از ابزارهای کارآمد حل اختلاف، نقش مهمی در جلوگیری از توقف پروژه‌ها، کاهش هزینه‌ها و حفظ روابط میان طرفین دارد (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷). این شیوه همچنین به حفظ روابط تجاری کمک می‌کند؛ زیرا در پروژه‌های نفت و گاز، طرفین معمولاً تمایل دارند همکاری‌های بلندمدت خود را ادامه دهند. در فرایند سازش، برخلاف دادگاه که بر تقابل استوار است، فضایی برای همکاری و تداوم روابط طرفین فراهم می‌شود (ارفعینیا و ملابراهیمی، ۱۳۹۷: ۳۰۹). برای نمونه، در یک پروژه مشارکتی میان دو شرکت بزرگ (یکی خارجی و یکی داخلی) به‌منظور توسعه یک میدان گازی، ممکن است در فاز دوم توسعه اختلافی بروز کند. شرکت داخلی، تأخیرها را ناشی از عملکرد ضعیف شریک خارجی دانسته و مطالبه گرامت کند. در چنین شرایطی، سازش‌گر می‌تواند به طرفین کمک کند تا درباره نحوه جبران تأخیر یا بازنگری در وظایف خود به توافق برسند.

در راستای اهمیت سازش در قراردادهای نفت و گاز، مسئله صرفه‌جویی در هزینه و زمان نیز بر اهمیت این نهاد می‌افزاید. روش‌های رسمی حل اختلاف، مانند داوری یا دادگاه، معمولاً پرهزینه و زمان‌بر هستند. در صنعت نفت و گاز، هرگونه تأخیر می‌تواند به معنای از دست رفتن میلیون‌ها دلار باشد. در مقابل، انعطاف‌پذیری و محرمانگی سازش به طرفین این امکان را می‌دهد که بدون محدودیت‌های حقوقی و در فضایی محرمانه به توافق دست یابند؛ امری که برای شرکت‌های فعال در این حوزه بسیار مهم است (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵).

محرمانگی در فرایند سازش معمولاً بخشی از توافق میان طرفین است و نقش مهمی در جلوگیری از افشای اطلاعات حساس تجاری یا دولتی دارد؛ برای نمونه، ممکن است یک پیمانکار (مهندسی، تأمین و ساخت)^۲ به دلیل تغییرات در شرایط زمین‌شناسی پروژه، درخواست تمدید زمان اجرا و افزایش هزینه‌ها را مطرح کند. اما کارفرما (شرکت نفتی دولتی) این درخواست را نپذیرد و در نتیجه اختلافی میان آن‌ها ایجاد شود. در چنین شرایطی، سازش می‌تواند به کارفرما و پیمانکار کمک کند تا بدون افشای جنبه‌های مهم و فنی پروژه، بر سر جدول زمانی اصلاح‌شده و هزینه‌های اضافی به توافق برسند.

1. Host Government

2. EPC

باین‌حال، روش سازش در صنعت نفت با چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز روبه‌روست. یکی از این چالش‌ها آن است که توافق حاصل از سازش تنها زمانی الزام‌آور است که طرفین به آن پایبند بمانند؛ در صورت انصراف یکی از طرفین، ممکن است اختلاف دوباره به سایر روش‌های حل‌وفصل اختلاف ارجاع شود. افزون‌براین، برخی از اختلافات در صنعت نفت‌وگاز به دانش فنی و تخصصی بالایی نیاز دارند که ممکن است در فرایند سازش به‌طور کامل مورد توجه قرار نگیرد. ازسوی‌دیگر، گاهی یکی از طرفین تمایلی به مشارکت در سازش ندارد یا آن را روشی ضعیف تلقی می‌کند (درویشی هویدا، ۱۳۹۲: ۵۱).

سازش، هرچند ابزاری کارآمد و انعطاف‌پذیر برای حل‌وفصل اختلافات در صنعت نفت‌وگاز به‌شمار می‌آید، اما موفقیت آن به میزان تمایل طرفین و انتخاب سازش‌گری باتجربه و آشنا با مسائل حوزه نفت‌وگاز وابسته است (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷). ازاین‌رو، سازش در قراردادهای نفتی از منظر حقوقی نیازمند اقداماتی است که با تأکید بر رضایت طرفین، الزام‌آور بودن نتایج و حفظ محرمانگی فرایند، زمینه تقویت این شیوه را فراهم آورد.

براساس ماده ۷۵۲ قانون مدنی، سازش زمانی معتبر است که طرفین با اراده کامل و بدون هیچ‌گونه اجبار به توافق برسند. همچنین طبق ماده ۷۵۴ همان قانون، هر توافقی که در جریان سازش حاصل شود، همانند سایر قراردادهای لازم‌الاجراست. افزون‌براین، ماده ۱۰ قانون مدنی نیز تصریح می‌کند که قراردادهای خصوصی میان اشخاص، در صورتی که صریحاً مخالف قانون نباشند، نافذ هستند.

در مواد ۱۸۶ تا ۱۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیز، ضمن پذیرش سازش به‌عنوان یکی از روش‌های حل اختلاف، بدون ارائه تعریف صریح از آن، مقررات کلی مربوط به آیین سازش بیان شده است. همچنین براساس ماده ۴۸۳ این قانون، در صورتی که داوران از سوی طرفین، اختیار صلح داشته باشند، می‌توانند دعوا را از طریق صلح خاتمه دهند. براین‌اساس، قوانین موضوعه از نهاد سازش حمایت می‌کنند.

باین‌حال، یکی از ابهامات در به‌کارگیری سازش در قراردادهای نفت‌وگاز، اصل ۱۳۹ قانون اساسی^۱ است. این اصل به حل‌وفصل اختلافات و دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی اشاره دارد و در مواردی می‌تواند مانعی در مسیر سازش ایجاد کند؛ زیرا در اغلب پروژه‌های نفت‌وگاز کشور، دولت یا نهادهای وابسته به آن به‌عنوان یکی از طرفین قرارداد حضور دارند.

۱. صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس شورای اسلامی برسد. در موارد مهم، علاوه بر تصویب هیأت وزیران، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز لازم است. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

این اصل مانعی مطلق برای سازش به شمار نمی‌آید، بلکه انجام سازش در برخی موارد نیازمند طی مراحل قانونی و اخذ مجوزهای لازم است (کارگر مطلق و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۸). چنانچه اختلاف یا دعوی مربوط به اموال عمومی یا دولتی باشد -مانند پروژه‌های نفت و گاز که معمولاً با اموال و منابع دولتی یا ملی در ارتباط هستند- ارجاع به سازش بدون طی فرایند قانونی ممکن نیست. در چنین مواردی، ارجاع اختلاف به سازش یا داوری باید با تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس انجام شود (داراب‌پور، ۱۳۹۹: ۲۵-۲۳).

اصل یادشده ممکن است موجب طولانی‌تر شدن فرایند سازش شود و در برخی موارد، انگیزه طرفین را برای استفاده از این شیوه کاهش دهد. در دعوی کوچک‌تر که «مهم» تلقی نمی‌شوند، روند سازش ساده‌تر بوده و تنها به تصویب هیأت وزیران نیاز دارد (سلطان‌زاده و درزی نفت‌چالی، ۱۳۹۵: ۲-۵). با این حال، در پروژه‌های بزرگ و بین‌المللی، به‌ویژه در مواردی که زمان و سرعت در حل اختلاف نقش حیاتی دارد، این اصل می‌تواند چالش برانگیز باشد (شیروی، ۱۳۹۷: ۵۵۵).

تعریف دقیقی از «موارد مهم» در اصل ۱۳۹ ارائه نشده و تفسیر آن به قانون‌گذار و مقامات اجرایی واگذار شده است. این ابهام می‌تواند موجب تأخیر در تصمیم‌گیری یا بروز اختلاف میان نهادهای ذی‌ربط شود. از این رو، اصل مذکور تا حدی آزادی طرفین را در انتخاب روش حل و فصل اختلاف (از جمله سازش یا داوری) محدود می‌کند؛ زیرا نهایی شدن تصمیم به تأیید نهادهای دولتی وابسته است (انیسی و داراب‌پور، ۱۳۹۹: ۹۷-۱۱۴). در دعوی مرتبط با بخش نفت و گاز، معمولاً ارزش مالی بالا و اهمیت راهبردی پروژه‌ها باعث می‌شود این اختلافات در شمار «موارد مهم» تلقی شوند. از این رو، انجام سازش در چنین پرونده‌هایی نیازمند تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس است.

در اختلافات داخلی میان شرکت‌های پیمانکار و نهادهای دولتی، ارجاع به سازش در صورتی که موضوع از مصادیق «موارد مهم» نباشد، روندی ساده‌تر دارد؛ برای نمونه، اگر پیمانکاری به دلیل تأخیر در پرداخت‌ها یا تغییر شرایط پروژه با کارفرمای دولتی دچار اختلاف شود، ارجاع موضوع به سازش با تصویب هیأت وزیران امکان‌پذیر است (فرجی، ۱۳۸۵: ۳۷). اما در قراردادهای بین‌المللی -مانند قراردادهای بیع متقابل یا مشارکت در تولید- در صورت بروز اختلاف میان شرکت خارجی و دولت ایران یا شرکت‌های دولتی، ارجاع به سازش نیازمند تصویب هیأت وزیران است و در موارد مهم‌تر، همچون تغییر شرایط مالیاتی، نرخ بهره‌برداری یا میزان حق امتیاز، تصویب مجلس نیز الزامی خواهد بود.

شایسته است در زمان تنظیم قراردادهای نفت و گاز، سازش به عنوان یکی از مراحل حل اختلاف -پیش از ارجاع به داوری یا دادگاه- پیش‌بینی شود و سازوکارهای قانونی لازم برای دریافت مجوزهای مربوط از پیش تعیین گردد. همچنین توصیه می‌شود در متن قرارداد، موارد

«مهم» و «غیرمهم» به طور دقیق مشخص شود تا نیاز به تصویب مجلس تنها در موارد خاص و استثنایی ایجاد گردد. افزون بر این، دولت می تواند کمیته های ویژه ای برای تسهیل بررسی و تصویب سازش در اختلافات مربوط به پروژه های نفت و گاز تشکیل دهد تا روند بوروکراتیک سریع تر انجام شود (شمس، ۱۳۸۷: ۴۸۸-۴۸۹).

۴. مزیت سنجی سازش در قراردادهای نفتی با برخی از دیگر شیوه های حل اختلاف

باتوجه به اینکه در قراردادهای نفتی می توان از روش های گوناگون حل و فصل اختلاف بهره گرفت، انجام مزیت سنجی تطبیقی میان روش سازش، میانجی گری و داوری اهمیت دارد. افزون بر این، یکی دیگر از شیوه های قابل استفاده در حل اختلافات، رسیدگی از طریق هیأت حل اختلاف فیدیک^۱ است. فیدیک (فدراسیون بین المللی مهندسان مشاور) نهادی بین المللی است که تمرکز آن بر تنظیم قراردادهای حوزه پیمانکاری است و در این راستا، مقرراتی نیز درباره حل و فصل اختلافات ناشی از این قراردادها تدوین کرده است. از آنجاکه در قراردادهای نفتی، بخش قابل توجهی از موضوعات -مانند ساخت سکوهای دریایی، پالایشگاه ها یا خطوط لوله- در قالب قراردادهای پیمانکاری اجرا می شود، می توان در حل اختلافات ناشی از این گونه پروژه ها به مقررات حل اختلاف پیش بینی شده در فیدیک استناد کرد.

ماده ۲۰ مقررات فیدیک مقرر می دارد که: «هرگونه اختلاف میان کارفرما و پیمانکار که ناشی از قرارداد یا مرتبط با اجرای آن باشد، از جمله اختلاف در خصوص دستورالعمل ها، گواهی ها یا ارزیابی های نماینده کارفرما، باید جهت تصمیم گیری به هیأت حل اختلاف فیدیک ارجاع شود». قلمرو این ماده بسیار گسترده است و تمامی انواع اختلافات میان طرفین قرارداد را دربرمی گیرد. براساس بند ۴ همین ماده، تصمیم صادره از سوی هیأت لازم الاتباع است و در صورتی که هیچ یک از طرفین به آن اعتراض نکنند، علاوه بر قابلیت اجرا، جنبه نهایی نیز خواهد داشت (انیسی و داراب پور، ۱۴۰۰: ۹۹-۱۰۱).

در ادامه، با ارائه جدولی برای تطبیق مزیت سنجی شیوه های حل اختلاف -داوری، میانجی گری، فیدیک و سازش- در قراردادهای نفتی، مطلب را به پایان می رسانیم.

1. FIDIC: Fédération Internationale des Ingénieurs-Conseils

معیار	سازش	میانجی‌گری	داوری	هیأت حل اختلاف فیدیک
تعریف	حل و فصل اختلاف با کمک شخص ثالث بی‌طرف و مورد اعتماد طرفین (سازش - گر) از طریق پیشنهاد های سازش‌گر و تصمیم‌گیری مشترک طرفین و سازش‌گر	حل و فصل اختلاف با کمک شخص ثالث بی‌طرف و مورد اعتماد طرفین (میانجی‌گر) با پیشنهاد های میانجی‌گر و تصمیم‌گیری طرفین	حل و فصل حقوقی، قطعی و لازم‌الاجرای اختلاف به وسیله شخص ثالث بی‌طرف و مستقل (کاظمی، ۱۳۹۹: ۱۴)	حل و فصل اختلاف با شیوه‌های مختلف لایه‌لایه از پیشگیری تا میانجی‌گری و داوری
مدت و اقتضای موضوع	سریع؛ مناسب برای اختلافات اجرایی و فنی در مراحل اولیه یا جریان پروژه (اکتشاف، توسعه یا بهره‌برداری)	میان مدت؛ مناسب برای حل اختلافات پیچیده‌تر با اطلاعات سری و نیازمند تحلیل بیشتر	طولانی؛ مناسب برای مواردی که اختلاف به مرحله جدی و بن‌بست رسیده باشد	بسته به شیوه انتخابی فیدیک و جواب‌دهی شیوه به اختلاف؛ گاهی سریع و گاهی طولانی
هزینه	هزینه پایین؛ به دلیل بی‌نیازی به جلسات رسمی و فرایند حقوقی	متوسط؛ نیاز به پرداخت هزینه‌های تخصصی میانجی‌گر	بالا، شامل هزینه‌های داوران، وکلا و کارشناسان	بالا، شامل هزینه‌های سازمانی، دیوان و ...
حفظ روابط تجاری	بالا؛ فرایند آن براساس توافق و همکاری است	متوسط؛ به دلیل حضور و پیشنهاد های میانجی‌گر که در موضوع اختلاف دارای تخصص است، می‌تواند باعث کاهش اعتماد طرفین شود	پایین؛ به دلیل صدور حکم الزام‌آور، ممکن است روابط طرفین را تیره کند	بسته به شیوه مورد استفاده، ممکن است بالا یا پایین باشد، اما بنا به سازمانی بودن و علنی شدن اختلاف امکان لطمه به روابط متصور است
انعطاف پذیری فرایند	بالا؛ طرفین می‌توانند روند سازش را شخص‌سازی کنند	متوسط؛ میانجی‌گر فرایند را هدایت می‌کند اما انعطاف کمتری نسبت به سازش دارد	پایین؛ فرایند رسمی است و طرفین باید از اصول و مقررات تعیین‌شده پیروی کنند	پایین؛ بنا به آیین مشخص سازمانی، انعطاف‌پذیری کمتری

محرمانگی	کاملاً محرمانه؛ مطلوب برای قراردادهای نفت و گاز که دارای اطلاعات فنی و مالی حساس هستند	نسبتاً محرمانه؛ ممکن است میانجی‌گر اطلاعات بیشتری از طرفین درخواست کند	نسبتاً محرمانه؛ در برخی پرونده‌ها ممکن است به دلیل انتشار رأی عمومی شوند	متصور است
کاربرد در حوزه نفت	مناسب برای حل اختلافات مالی، تغییرات قراردادی، تأخیر در زمان‌بندی پروژه و مسائل زیست‌محیطی	مناسب برای اختلافات پیچیده، مانند مشکلات مشارکت‌های بلندمدت یا مسائل فنی خاص	مناسب برای اختلافات جدی، مانند نقض عمده قرارداد، خاتمه پروژه یا اختلاف بر سر تقسیم درآمد	مناسب پروژه‌های نفتی پیمانکاری و تردید مدعی در انتخاب شیوه حل اختلاف مناسب
ضمانت اجرا	ضعیف؛ نتیجه سازش تنها در صورت توافق کتبی الزام‌آور است	ضعیف؛ پیشنهادهای میانجی‌گر لازم‌الاجرا نیستند، مگر با توافق طرفین	قوی؛ رأی داوری همانند رأی محاکم دادگستری لازم‌الاجراست	قوی؛ برخورد از آیین سازمانی برای اجرا

نتیجه

رسیدگی به اختلافات در محاکم قضایی، به دلایل گوناگون، چندان مورد استقبال تجار - به‌ویژه در قراردادهای بین‌المللی - نیست. هرچند توسل به داوری نسبت به دادگستری مطلوب‌تر است، اما در عمل پاسخگوی همه نیازهای این حوزه نیست. از این‌رو، شیوه‌های سازش و میانجی‌گری که از روش‌های کهن حل اختلاف به‌شمار می‌روند، دیگر بار مورد توجه تجار قرار گرفته‌اند. این رویکرد، ضرورت تدوین مقررات متحدالشکل درباره نحوه و آیین سازش را آشکار ساخته است. ازجمله، «مقررات سازش آنسیترال» تلاشی در همین راستا بوده و می‌تواند مبنایی مناسب برای

قانون‌گذاری در این زمینه باشد تا نیازهای نوین عرصه تجارت را از طریق نهاد دیرین سازش - که در ایران نیز ریشه‌دار و مطلوب است - برطرف کند.

در این روش، از جمله مزایای حل اختلاف در معاملات تجاری، به‌ویژه قراردادهای نفتی، می‌توان به مواردی مانند قابلیت استفاده از سازش‌گر متخصص در موضوع، اعمال اصل سرعت، آزادی عمل بیشتر طرفین، نقش سازش‌گر به‌عنوان شخص ثالث مجری حل اختلاف، سادگی اجرای فرایند، کاهش مداخله در مسائل تعارض قوانین و سری و محرمانه بودن فرایند اشاره کرد. این ویژگی‌ها نه تنها به حل اختلافات کمک می‌کنند، بلکه در تضمین پایداری و افزایش بهره‌وری پروژه‌های نفت و گاز نیز نقش مهمی دارند. با این حال، الزام‌آور نبودن تصمیمات و جنبه مشورتی داشتن آن‌ها و همچنین محدودیت در ارجاع برخی دعاوی، از جمله معایب این شیوه محسوب می‌شود.

تغییر در قیمت، هزینه‌های اجرایی، زمان‌بندی و ماهیت پیچیده و فنی پروژه‌های نفتی می‌تواند زمینه‌ساز اختلاف میان طرفین قرارداد شود. از آنجاکه این قراردادها معمولاً به شکل مگا پروژه منعقد می‌شوند، بروز اختلاف در یکی از پروژه‌ها ممکن است به توقف سایر پروژه‌ها نیز بینجامد؛ امری که برای طرفین بسیار چالش‌برانگیز است. بنابراین، نحوه مواجهه با اختلاف و چگونگی حل و فصل آن در این قراردادها اهمیت فراوانی دارد.

در مقررات کشور ما، با وجود ریشه دیرینه و مقبولیت سازش و همچنین وجود قوانین متعدد، از جمله در قانون مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی، اصل ۱۳۹ قانون اساسی را می‌توان محدودیتی برای سازش در دعاوی مربوط به قراردادهای نفت و گاز دانست. با این حال، این اصل مانعی مطلق برای سازش نیست و انجام آن در موارد خاص نیازمند طی فرایند قانونی و اخذ مجوزهای لازم است؛ به‌ویژه در صورتی که اختلاف یا دعاوی مربوط به اموال عمومی یا دولتی باشد - مانند پروژه‌های نفت و گاز - ارجاع اختلاف به سازش یا داوری باید با تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس انجام شود. این اصل ممکن است فرایند سازش را طولانی‌تر کرده و در برخی موارد، انگیزه طرفین را کاهش دهد و آزادی آنان را محدود سازد. افزون‌براین، تعریف دقیق «موارد مهم» در این اصل مشخص نشده و تعیین آن بستگی به تفسیر مقامات اجرایی دارد. در دعاوی نفت و گاز، معمولاً ارزش مالی اختلاف یا اهمیت پروژه بالاست و در نتیجه به‌عنوان مورد مهم شناخته می‌شود. بنابراین، سازش در این موارد نیازمند تصویب هیأت وزیران و مجلس خواهد بود.

برای کاهش معایب سازش در قراردادهای نفتی، می‌توان در زمان تنظیم قرارداد، سازش را به‌عنوان شیوه حل اختلاف پیش‌بینی و راهکارهای لازم را برای اخذ مجوزهای مربوط از پیش مشخص کرد. همچنین، تفکیک موارد «مهم» و «غیرمهم» می‌تواند موجب شود که نیاز به

تصویب مجلس تنها در موارد خاص و محدود اعمال گردد. افزون‌براین، دولت می‌تواند سازوکارهایی برای تسهیل بررسی و تصویب سازش در اختلافات نفتی ایجاد کند تا فرایند پیش‌گفته با سرعت بیشتری انجام شود.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوء رفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

قدردانی

نویسندگان مراتب سپاس و قدردانی خود را از اعضای محترم هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و به‌ویژه جناب آقای دکتر مهربان داراب‌پور که با راهنمایی‌های علمی و نکات دقیق خود در زمینه قراردادهای بین‌المللی نفتی و شیوه‌های حل‌وفصل اختلافات، نقش مؤثری در غنای این پژوهش داشتند، ابراز می‌دارند. همچنین، از همکاری و راهنمایی داوران و اعضای هیأت تحریریه فصلنامه مطالعات حقوق انرژی در ارزیابی و ارتقای کیفیت علمی این مقاله صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

منابع

انیسی، الهام؛ داراب‌پور، مهربان (۱۴۰۰). «اجرای‌شدن آرای هیأت حل اختلاف فیدیک؛ نسخه اصلی برای کارآمدی اقتصادی پروژه‌ها و عدم توقف آن‌ها (با رویه‌سازی از رأی دادگاه سنگاپور در پرونده پرسرو)». *دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، سال ۴، شماره ۳۵، ص ۱۵۰-۱۳۷.

DOI:10.22066/CILAMAG.2021.112176.1753

انیسی، الهام؛ داراب‌پور، مهربان (۱۳۹۹). «سازش کارآمدتر از فیصله دعاوی در هیأت‌های حل اختلاف قراردادهای مرتبط با پژوهش‌های نفت‌وگاز». *مطالعات حقوق انرژی*، دوره ۶، شماره یک، ص ۹۷-۱۱۴. در: https://jrels.ut.ac.ir/article_78055.html (۲۱ اسفند ۱۴۰۰)

ارفع‌نیا، بهشید؛ ملاابراهیمی، عماد (۱۳۹۷). «حل مسالمت‌آمیز و شرایط جایگزین؛ روش‌های حل‌وفصل اختلافات در قراردادهای بالادستی نفتی ایران (IPC)». *مطالعات حقوق انرژی*، دوره ۴، شماره ۲،

ص ۲۳۲۰-۲۹۳. DOI: 10.22059/jrels.2019.267142.235.۲۹۳-۲۳۲۰

- ابراهیمی، سید نصرالله؛ تقی‌زاده، ابراهیم؛ سریر، فرزانه (۱۳۹۳). «بررسی اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت‌وگاز در ایران». *دانش حقوق مدنی*، دوره ۳، شماره ۲، ص ۱۳-۱. در: https://clk.journals.pnu.ac.ir/article_1526.html (۲ اردیبهشت ۱۴۰۳)
- ابراهیمی، سید نصرالله؛ منتظر، مهدی؛ مسعودی، فرزاد (۱۳۹۳). «اصول قانونی حاکم بر قراردادهای خدماتی بالادستی صنعت نفت‌وگاز ایران». *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، دوره ۳، شماره ۱۲، ص ۲۶-۱. در: https://jieee.atu.ac.ir/article_598.html (۲۴ خرداد ۱۴۰۳)
- داراب‌پور، محمد (۱۳۹۹). *قواعد جدید آنسیترال راجعه میانجی‌گری و توافق‌نامه سازش*. تهران، گنج دانش.
- درویشی‌هویدا، یوسف (۱۳۹۲). «اصل محرمانه بودن در شیوه‌های جایگزین حل اختلاف». *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، دوره ۱۸، شماره ۶۲، ص ۶۲-۳۹. در: https://jlviews.ujss.ac.ir/article_703410.html (۲۰ دی ۱۴۰۲)
- ____ (۱۳۹۰). «مطالعه‌ای بر میانجی‌گری به‌عنوان روش دوستانه حل‌وفصل اختلاف». *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۱، شماره ۴، ص ۱۳۷-۱۲۱. در: https://jlq.ut.ac.ir/article_29764.html (۶ فروردین ۱۴۰۳)
- سلطان‌زاده، سجاد؛ درزی نفت‌چالی، علی (۱۳۹۵). «سازش در سرمایه‌گذاری». *مجله حقوقی پژوهش‌های نوین*، هفته‌نامه تجارت فردا شماره ۲۰۶. در: <https://www.tejaratefarda.com> / (۱۷ بهمن ۱۴۰۲).
- شمس، عبدالله (۱۳۸۷). *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*. تهران، دراک.
- شیروی، عبدالحسین (۱۴۰۰). *حقوق تجارت بین‌الملل*. تهران، سمت.
- ____ (۱۳۹۸). *داوری تجاری بین‌المللی*. تهران، سمت.
- ____ (۱۳۹۷). *حقوق نفت‌وگاز*. تهران، میزان.
- شعبانی‌چهرمی، فریده؛ شعبانی‌چهرمی، فرید (۱۳۹۷). «تنظیم شرط حل‌وفصل اختلاف در قراردادهای بین‌المللی نفت‌وگاز». *اکتشاف و تولید نفت‌وگاز*، شماره ۱۵۸. در: <https://civilica.com/doc/1659184> (۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳)
- فرجی، محمد (۱۳۸۵). *آیین دادرسی در امور مدنی*. تهران، طرح نوین اندیشه.
- کارگر مطلق، احمد؛ صادقی شاهدانی، مهدی؛ موسویان، سیدعباس (۱۳۹۷). «تحلیل فقهی و حقوقی نهاد مالکیت در قراردادهای بالادستی صنعت نفت‌وگاز». *جستارهای اقتصادی*، شماره ۳۰، ص ۱۶۰-۱۳۷.
- DOI: 10.30471/iee.2018.1562
- کاظمی، محسن (۱۳۹۹). *محدودیت‌های اراده و اراده محدود در داوری*. رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی.

References

- Anisi, Elham; Darabpour, Mehrab. (2020). "Conciliation More Efficient than Settlement in Dispute Boards of Oil and Gas Research Contracts".

- Energy Law Studies*, Vol. 6, No. 1, pp. 97–114. https://jrels.ut.ac.ir/article_78055.html (Accessed 11 March 2022). [in Persian]
- Anisi, Elham; Darabpour, Mehrab. (2021). "Implementation of FIDIC Dispute Board Decisions for Economic Efficiency of Projects and Preventing Their Suspension (With Reference to the Singapore Court Decision in Persero Case)". *New Achievements in Humanities Studies*, Vol. 4, No. 35, pp. 137–150. DOI:10.22066/CILAMAG.2021.112176.1753 [in Persian]
- Arfa-Nia, Bashid & Molla-Ebrahimi, Emad. (2018). "Peaceful and Alternative Solutions: Dispute Resolution Methods in Iranian Upstream Oil Contracts (IPC)". *Energy Law Studies*, Vol. 4, No. 2, pp. 293–320. DOI: 10.22059/jrels.2019.267142.235 [in Persian]
- Darabpour, Mohammad. (2020). *New UNCITRAL Rules on Mediation and Conciliation Agreements*. Tehran, Ganj Danesh. [in Persian]
- Darvishi Hoveyda, Yousef. (2011). "A Study of Mediation as a Friendly Method for Settling Disputes". *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, Vol. 41, No. 4, pp. 121–137. https://jlq.ut.ac.ir/article_29764.html (Accessed on March 26, 2024). [in Persian]
- Darvishi Hoveyda, Yousef. (2013). "The Principle of Confidentiality in Alternative Dispute Resolution Methods". *Judicial Views Quarterly* (Didgah-ha-ye Hoquq-e Ghaza'i), Vol. 18, No. 62, pp. 39–62. https://jlviews.ujas.ac.ir/article_703410.html (Accessed on January 10, 2024). [in Persian]
- Ebrahimi, Seyed Nasrallah; Montazer, Mehdi; Masoudi, Farzad. (2014). "Legal Principles Governing Upstream Service Contracts in the Iranian Oil and Gas Industry". *Iranian Energy Economics Research Journal*, Volume 3, Issue 12, pp. 1–26. https://jieee.atu.ac.ir/article_598.html (Accessed 14 June 2014). [in Persian]
- Ebrahimi, Seyed Nasrollah; Taghizadeh, Ebrahim; Sarir, Farzaneh. (2014). "Legal Principles Governing Upstream Oil and Gas Contracts in Iran". *Civil Law Knowledge*, Vol. 3, No. 2, pp. 1–13. (Viewed on May 2, 2024). https://clk.journals.pnu.ac.ir/article_1526.html [in Persian]
- Faraji, Mohammad. (2006). *Procedure in Civil Matters*. Tehran, Tarh-e Novin-e Andisheh Publications. [in Persian]
- Freedman, Clive; Farrell, James. (2014). *Kendall on Expert Determination* (5th ed.). London, Sweet & Maxwell.
- Kargar Motlagh, Ahmad; Sadeghi Shahedani, Mehdi; Mousavian, Seyed Abbas. (2018). "The Jurisprudential and Legal Analysis of the Institution of Ownership in Upstream Oil and Gas Contracts". *Economic Inquiries*, No. 30, pp. 137–160. DOI: 10.30471/iee.2018.1562137 [in Persian]

- Kazemi, Mohsen. (2020). *Limitations of Will and Restricted Consent in Arbitration* (PhD Dissertation). Kharazmi University. [in Persian]
- Sha'bani Jahromi, Farideh; Sha'bani Jahromi, Farid. (2018). "Drafting the Dispute Resolution Clause in International Oil and Gas Contracts". *Oil and Gas Exploration and Production*, No. 158. (Accessed on April 30, 2024). [in Persian]
- Shams, Abdullah. (2008). *Civil Procedure Law (Advanced Volume)* (Ayin-e Dadresi-ye Madani (Dowreh-ye Pishrafteh)). Tehran, Derak Publications. [in Persian]
- Sheiravi, Abdolhossein. (2018). *International Commercial Arbitration*. Tehran, SAMT. [in Persian]
- Shiravi, Abdolhossein. (2018). *Oil and Gas Law (Hoquq-e Naft va Gaz)*. Tehran, Mizan Publications. [in Persian]
- Shiravi, Abdolhossein. (2019). *International Commercial Arbitration (Davari-ye Tejarat-e Beynolmelali)*. Tehran, SAMT Publications. [in Persian]
- Shiravi, Abdolhossein. (2021). *International Trade Law (Hoquq-e Tejarat-e Beynolmelal)*. Tehran, SAMT Publications. [in Persian]
- Soltan Zadeh, Sajjad; Darzi Naftchali, Ali. (2016). "Settlement in Investment". *Journal of Novel Legal Research* (Majalleh-ye Hoquqi-ye Pazhoohesh-ha-ye Novin), No. 206. <https://www.tejaratefarda.com> (Accessed on February 6, 2024). [in Persian]
- Stulz, Karim; Fraser. (2007). "Expert Determination in International Oil & Gas Disputes: The Impact of Lack of Harmonization in Reserves Classification Systems and Uncertainty in Reserves Estimates." *SPE International*, 15th. (Accessed 12 March 2022).